

دانشکده فنی و حرفه ای دختران یزد

حضرت رقیه (س)

حسابداری مالی

مدرس: سمانه خضری یزدی



# جلسہ اول



## خصوصیات کیفی اطلاعات مالی:

خصوصیات کیفی به خصوصیات اطلاقی می‌شود که موجب می‌گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده‌کنندگان در ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود.

خصوصیات کیفی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات

(الف) مربوط بودن

(ب) قابل اتکا بودن

(الف) قابل مقایسه بودن

۲- خصوصیات کیفی مرتبط با ارائه اطلاعات

(ب) قابل فهم بودن



## ۱- الف) مربوط بودن:

اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده و تأیید یا رد ارزیابی‌های گذشته مؤثر واقع شود. بطور کلی اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که دارای دو ویژگی زیر باشد:

۱- **دارای ارزش پیش‌بینی‌کنندگی باشد:** یعنی اینکه با توجه به نتایج و رویدادهای گذشته بتواند شرایط را برای پیش‌بینی نتایج و رویدادهای آتی فراهم سازد.

۲- **دارای ارزش تأییدکنندگی باشد:** یعنی اینکه در تأیید یا رد ارزیابی‌های گذشته استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی تأثیر داشته باشد.



## ۱- ب) قابل اتکا بودن:

اطلاعاتی قابل اتکاست که عاری از اشتباه بوده و بطور صادقانه بیان شود. ویژگی های لازم برای قابل اتکا بودن اطلاعات مالی عبارتند از:

۱- **بیان صادقانه:** یعنی اینکه اطلاعات باید ارائه کننده آن چیزی باشد که به طور واقعی وجود دارد. ارقام حسابداری باید واقعیت اقتصادی تعهدات، معاملات و سایر رویدادها را نشان دهد. مثلاً وجه نقد موجود در ترازنامه باید بیانگر مبلغ وجه نقد صندوق، موجودی حسابهای بانکی و تنخواه باشد.

۲- **رجحان محتوا بر شکل:** یعنی اینکه در گزارشگری مالی محتوا و واقعیت اقتصادی معاملات و نه صرفاً شکل قانونی آنها در نظر گرفته می شود.



۳- **بیطرفی:** استفاده کنندگان اطلاعات مالی متنوع هستند. صورتهای مالی نباید برای تأمین منافع یک گروه خاص و در جهت زیان رساندن به دیگران و یا حصول به نتیجه ای از قبل تعیین شده تهیه شود.

۴- **احتیاط:** یعنی اینکه به دلیل عدم امکان پیش بینی قطعی آینده باید در تهیه صورت های مالی احتیاط شود به گونه ای که درآمدها و دارایی ها بیشتر از واقع و هزینه ها و بدهی ها کمتر از واقع ارائه نشود.

۵- **کامل بودن:** یعنی اینکه اطلاعات مندرج در صورتهای مالی باید با توجه به اهمیت و فزونی منافع بر مخارج تهیه آنها به طور کامل ارائه شود به گونه ای که امکان اتخاذ تصمیمات آگاهانه را برای استفاده کنندگان فراهم سازد.



## ۲- الف) قابل مقایسه بودن:

استفاده‌کنندگان صورتهای مالی باید بتوانند صورتهای مالی واحد تجاری را طی زمان جهت تشخیص روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مقایسه نمایند.

استفاده‌کنندگان همچنین باید بتوانند صورتهای مالی واحدهای تجاری مختلف را مقایسه کنند تا وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی آنها را نسبت به یکدیگر بسنجند. شرایط لازم برای قابل مقایسه بودن عبارتند از:

۱- **ثبات رویه:** یعنی اینکه حسابداری رویدادهای مشابه در هر دوره مالی و از یک دوره به دوره مالی بعد با روش یکسان صورت گیرد.



**۲- همسانی رویه ها:** یعنی اینکه رویه های حسابداری به کار گرفته شده توسط واحدهای تجاری مختلف برای رویدادهای مشابه یکسان باشد. برای مثال اگر یک واحد تجاری برای ارزیابی موجودی کالا از روش FIFO استفاد کند و واحد تجاری دیگر روش میانگین موزون را به کار گیرد در اینصورت، سود گزارش شده توسط واحدهای تجاری مذکور نمی تواند با یکدیگر مقایسه شود.

**۳- افشاء:** یعنی اینکه رویه های حسابداری به کار گرفته شده در تهیه صورتهای مالی و همچنین هر گونه تغییرات در آن رویه ها و آثار چنین تغییراتی باید افشاء شود.





## ۲- ب) قابل فهم بودن:

یک خصوصیت کیفی مهم اطلاعات مندرج در صورتهای مالی این است که به آسانی برای استفاده‌کنندگان قابل درک باشد. عوامل موثر بر قابل فهم بودن عبارتند از:

### ۱- ادغام و طبقه‌بندی اطلاعات

یک عامل مهم در قابل فهم بودن اطلاعات مالی نحوه ارائه آنهاست. برای اینکه ارائه اطلاعات مالی قابل فهم باشد لازم است که اقلام با خصوصیات مشابه به نحوی مناسب با یکدیگر ادغام و طبقه‌بندی شود.



## ۲- توان استفاده‌کنندگان

صورت‌های مالی برای رفع نیازهای استفاده‌کنندگان مختلفی که از درجات مختلف آگاهی از فعالیتهای تجاری و اقتصادی و نحوه حسابداری برخوردارند، تهیه می‌شود. بنابراین اطلاعات مالی براساس این فرض تهیه می‌شود که استفاده‌کنندگان از آگاهی معقولی در مورد فعالیتهای تجاری و اقتصادی و نحوه حسابداری برخوردارند و اینکه با صرف تلاش مایل به مطالعه و بررسی اطلاعات هستند.



## مفروضات حسابداری:

**الف) فرض تفکیک شخصیت:** فرض تفکیک شخصیت به معنای آن است که شخصیت هر مؤسسه مستقل از مالک یا مالکان آن و همچنین سایر مؤسسات است. براساس این فرض، فعالیت های مالی هر مؤسسه از دیدگاه همان مؤسسه تجزیه و تحلیل و ثبت شده و گزارش های مالی به منظور انعکاس وضعیت مالی و نتایج عملیات مؤسسه مزبور تهیه می شود.

**ب) فرض تداوم فعالیت :** فرض تداوم فعالیت بدین معنی است که عملیات مؤسسه در آینده قابل پیش بینی تداوم و استمرار خواهد داشت و قصد انحلال مؤسسه یا توقف فعالیت آن وجود ندارد. منظور از آینده قابل پیش بینی حداقل تا زمانی است که مؤسسه بتواند برنامه های خود را اجرا و تعهدات خود را ایفا کند.



**ج- فرض دوره مالی:** اندازه گیری دقیق نتایج حاصل از عملیات یک موسسه تنها در پایان عمر آن یعنی هنگامی که کلیه دارایی های آن فروخته شده و بدهی های آن تسویه شود، امکان پذیر است. اما مدیران، سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده کنندگان اطلاعات مالی برای تصمیم گیری های خود نیازمند اطلاعاتی درباره نتیجه عملیات و وضعیت مالی موسسه قبل از پایان عمر آن می باشند. برای این منظور عمر موسسه به دوره های زمانی کوتاه تر تقسیم می شود که به هریک از این دوره ها اصطلاحاً دوره مالی گفته می شود. دوره مالی می تواند یک ماهه، سه ماهه و یا شش ماهه باشد، اما متداول ترین دوره مالی، دوره مالی یک ساله است که اصطلاحاً سال مالی نامیده می شود.

**د) فرض واحد اندازه گیری (واحد پولی):** از آنجا که پول وسیله مبادله و مقیاس مشترک اندازه گیری ارزش در کلیه مبادلات اقتصادی است، در حسابداری نیز معاملات و عملیات مالی برحسب واحد پول به عنوان مقیاس مشترک اندازه گیری سنجیده شده و اطلاعات مالی برحسب پول گزارش می شود.



## اصول اساسی حسابداری:

**الف) اصل بهای تمام شده:** اصل بهای تمام شده حاکی از آن است که کلیه رویدادهای مالی باید به بهای تمام شده در تاریخ وقوع ثبت و گزارش شوند. به عنوان مثال، اگر برای خرید زمین مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال پرداخت شده باشد باید زمین را به همین مبلغ ثبت و گزارش نمود، حتی اگر در تاریخ خرید طبق نظر کارشناس زمین مذکور ۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال ارزش داشته باشد. همچنین، اصل بهای تمام شده در زمان های بعد از تاریخ تحصیل نیز باید رعایت شود. به عنوان مثال، چنانچه ارزش زمین مذکور در سال های بعد به ۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال افزایش یابد، تغییری از این بابت در حساب ها داده نمی شود و زمین به همین مبلغ در دفاتر نشان داده می شود.



**ب) اصل تحقق درآمد:** اصل تحقق درآمد زمان شناسایی درآمد و ثبت آن در حساب ها و صورتهای مالی را تعیین می کند. طبق این اصل، درآمد ناشی از فروش کالاها و محصولات در زمان فروش و تحویل کالا به مشتری شناسایی می شود و درآمد حاصل از ارائه خدمات نیز هنگامی شناسایی می شود که خدمات مربوطه انجام شده است و نه در زمان دریافت وجه آن.

**ج) اصل تطابق هزینه ها با درآمدها:** اصل تطابق هزینه ها با درآمدها بر فرآیند اندازه گیری سود تأکید دارد و نشاندهنده آن است که هزینه های انجام شده برای تحصیل درآمد باید در همان دوره ای که درآمد شناسایی می گردد، با درآمد مربوطه کسر شود تا سود یا زیان خالص به دست آید. در بکارگیری اصل تطابق هزینه ها با درآمد، برای شناخت هزینه ها یکی از سه مبنای زیر مورد استفاده قرار می گیرد:

۱- ارتباط مستقیم علت و معلولی هزینه ها

۲- تخصیص منظم و منطقی هزینه ها

۳- شناخت بلا درنگ هزینه ها



## ۱- ارتباط مستقیم علت و معلولی هزینه ها:

برخی از هزینه ها یک رابطه مستقیم علت و معلولی با درآمد شناسایی شده دارند، یعنی وقوع درآمد و هزینه به طور همزمان است، از این رو به موازات تحقق درآمد، هزینه ی مربوطه نیز شناسایی می شود. بهای تمام شده کالای فرش رفته، هزینه کمیسیون فروش مبتنی بر فروش و هزینه حمل و تحویل کالا به مشتریان نمونه هایی از این قبیل هزینه ها می باشند.



## ۲- تخصیص منظم و منطقی هزینه ها:

در برخی موارد، مخارج انجام شده باعث ایجاد درآمد در چند دوره مالی می شوند و ارتباط بین آن ها با درآمدهای ایجاد شده را نمی توان براساس یک رابطه علت و معلولی تعیین کرد. این گونه مخارج برمبنای زمان و به روشی منظم و منطقی بین دوره هایی که منافع آن حاصل می گردد، سرشکن می شود. هزینه استهلاک دارایی های ثابت مشهود نمونه هایی از این قبیل هزینه ها می باشد.





### ۳- شناخت بلا درنگ هزینه ها:

در برخی موارد، نمی توان بین مخارج انجام شده و درآمدهای ایجاد شده یک رابطه ی علت و معلولی برقرار نمود و همچنین مخارج مزبور فاقد منافع آتی می باشند. این گونه مخارج باید بلادرنگ در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی شوند. هزینه آموزش کارکنان نمونه هایی از این قبیل هزینه ها می باشند.



## (د) اصل افشای کامل:

حاکمی از آن است که کلیه حقایق با اهمیت مربوط به رویدادها و فعالیت های مالی موسسه باید به شکلی مناسب و به گونه ای قابل فهم و به طور کامل افشا شود تا امکان اتخاذ تصمیمات آگاهانه را برای استفاده کنندگان اطلاعات مالی فراهم گردد.

اصل افشای کامل هرگز به این معنا نیست که کلیه اطلاعات باید افشا شود، بلکه افشای اطلاعات باید با توجه به اهمیت و هزینه تهیه آنها صورت پذیرد. بنابراین اطلاعاتی باید افشا شود که از لحاظ کمیت و کیفیت به گونه ای باشد که در تصمیم گیری استفاده کنندگان موثر بوده و موجبات سردرگمی و گمراهی آنان را فراهم نکند. همچنین هزینه تهیه گزارش اطلاعات نباید بیشتر از منافع حاصل از بکارگیری آنها باشد.

